

«فرهیختگان» بررسی کرد؛ چرا مدیران مختلف مانع نفوذ «محمود بابایی» نشدند؟

استقلال درگیر بچه‌بازی!

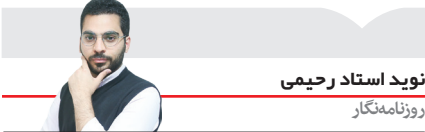


مهدی محمدی

دبیر گروه ورزش

اتفاقاتی که در فوتبال مارخ می‌دهد معمولاً منحصربه‌فرد است و مشابه آن را در کشورهای دیگر پیدا نمی‌کنید، فقط اینجاست که ممکن است یک لیدر به چنان قدرتی برسد که در سیاست‌های باشگاه تاثیرگذار باشد و هر چقدر مدیران تغییر کنند او از جایش تکان نخورد! فقط اینجاست که معاونان باشگاه از مدیرعامل قدرت بیشتری دارند و هر روز نیز در رسانه‌ها مشغول مصاحبه هستند. درباره اعضای ثابت و بی‌تاثیر در هیات‌مدیره باشگاه‌ها نیز به‌قدر کافی نوشته شده است. افرادی همیشه در مهم‌ترین باشگاه‌های فوتبال مابوده هستند که فرقی ندارد ستمی داشته باشند یا نه؛ تحت‌عنوان مشاور، مدیر روابط عمومی، نزدیکان باشگاه یا هر عنوان دیگر کنار تیم و بازیکنان و مربیان هستند و کسی هم نمی‌داند از کجا آمده‌اند، به کجا وصلند و چرا تا این حد نفوذ دارند. یکی از آنها سال‌هاست نامش با استقلال گره خورده و پیش از این با عناوینی همچون «م-ب» یا بچه (به خاطر سن پایین) معرفی می‌شد، اما اخیراً در محفلی شبیه به نشست خبری دست به افشاگری درخصوص اتفاقات سال‌های اخیر استقلال زده و تیمی را که با رفتن شفر و آمدن استراماچونی امید به بهبود اوضاع دارد، به حاشیه برده. ناگفته نماند او از دوستان نزدیک فرهاد مجیدی و مهدی رحمتی نیز به شمار می‌رود!

اینکه اظهارات مطرح‌شده چقدر صحت دارد، چندان مورد بحث نیست. بررسی اظهارات وی سولاتی را به‌همراه دارد.



نوید استاد رحیمی

روزنامه‌نگار

حدود ۱۳ سال از حضورش در فوتبال می‌گذرد. بعد از اینکه مدتی در سرویس ورزشی سبایت تبیان مشغول کار شد، به‌عنوان مسئول دفتر امیررضا واعظ‌آشتیانی در وزارت صنایع و معادن فعالیتش را وسعت داد. در همین اثنا به‌رغم سن و سال پائینش رابطه خوبی با فوتبالی‌ها پیدا کرده بود. هنوز هم خیلی‌ها تصویر فراموش‌نشدنی او و امیر قلعه‌نویی را به یاد دارند. وقتی اولین تمرین تیم ملی زیرنظر قلعه‌نویی برگزار می‌شد و خبرنگاران با چشم خود دیدند محمودرضا بابایی با سرمربی وقت تیم ملی خوش‌وبش می‌کرد و سرش را روی شانه او گذاشته بود. او حالا به میانسانی رسیده و ۳۶

ساله شده است اما از عنفوان جوانی مسیرش به فوتبال باز شد و به یکباره قدرت گرفت. جوان بود، اما کارهایی را به او نسبت می‌دادند که باورکردنش بسیار دشوار بود. نام پسر جوان موبور و چشم‌روشن با قد و قامت کوتاهش در بسیاری از اتفاقات چند سال اخیر باشگاه استقلال گره خورده است.

ماجرای بچه و قلعه‌نویی

می‌گفتند رابطه نزدیکش با کیومرث هاشمی باعث شد پایش به فوتبال باز شود، اما هاشمی هیچ‌وقت زیر بار این مساله نرفت و در گفت‌وگوی کوتاه با ما نیز این رابطه نزدیک را رد کرد. با این حال، بابایی به‌همراه واعظ از وزارت صنایع و معادن به استقلال آمد. ابتدا به‌عنوان مشاور و رئیس‌دفتر مدیرعامل مشغول کار شد، اما خیلی‌زود در تصمیمات کلان باشگاه و تیم نقش‌بزرایی را ایفا کرد. زمانی ادعا شد

که قلعه‌نویی گزینه سوم تیم ملی هم نبوده، اما برش بابایی او را به نیمکت تیم ملی رسانده است. طبیعتاً حس می‌شد که رابطه خوب آنها در استقلال هم ادامه‌دار باشد، اما اصلاً این اتفاق رخ نداد. بابایی عده‌ای از نزدیکان قلعه‌نویی را از باشگاه دور کرد و همین باعث شد ژنرال، او را «بچه» خطاب کند و بگوید یک بچه در باشگاه تصمیم‌گیرنده است. علی‌نظری جویباری هم تصریح کرد که یک پسر جوان دست به تغییر مدیرعامل استقلال زده است. می‌گویند قلعه‌نویی برای ماندن شرط گذاشت که یا او یا بابایی. ظاهراً زور پسر جوان چربید، چراکه قلعه‌نویی از استقلال جدا شد.

ادعای جالب صادقی

شخصیت پیچیده‌ای دارد. همزمان با امیر قلعه‌نویی و آتیلا حجازی رفاقت نزدیکی داشت. بسا مهدی رحمتی و فرهاد

مجیدی به‌شدت دوست است و به آنها مشاوره‌های زیادی می‌دهد. خود او در مصاحبه اخیرش اذعان کرد که به‌مجیدی هشدار داده در مشهد به جای شفر سرمربی استقلال نشود. او روزگاری با بازیکنانی چون خسرو حیدری رابطه بسیار نزدیکی داشت، اما حالا همه چیز به تیگرگی گراییده و دوطرف علیه هم صحبت می‌کنند. امیرحسین صادقی در این روزها جدی‌ترین منتقد بابایی به حساب می‌آید. صادقی می‌گوید: «او به من زنگ زد و گفت کاپیتان! پرسیدم مگر رحمتی رفته که من کاپیتان شوم. او هم گفت که رحمتی را هوا کردیم. چندی بعد که من جدا شدم، او تماس گرفت و گفت دیدی چطور هوایت کردم.»

اعتراض منصوریان و مظلومی

بابایی بعد از رفتن واعظ همچنان در استقلال ماند. کار به

جایی رسید که خود واعظ هم تایید کرد که او تصمیمات بزرگی را در باشگاه می‌گیرد. بعدها در قامت مدیر روابط عمومی باشگاه به فعالیت خود ادامه داد و سال ۱۳۹۵ در سمت خود باقی ماند، اما نهایتاً استعفا داد و جایش را به محمدحسین زرنزدی داد. او حدود سه سال است که در باشگاه پستی ندارد، اما ردپایش در بسیاری از اتفاقات حول‌وحوش تیم دیده می‌شود. منصوریان بعد از جدایی‌اش از استقلال مانند مظلومی ادعا کرد که یک نفر خاص باعث رفتنش شده است. گویا اتفاقات هفته ششم لیگ هفدهم در جم نیز به او مربوط می‌شود. با صحبت‌های جدیدی که بابایی انجام داده، پای افراد دیگری هم به ماجراهای چند سال اخیر استقلال باز می‌شود. صادقی ادعا می‌کند که پرویز مظلومی و دیگر استقلال‌ها را ترسند و هر صحبتی که لازم است، انجام دهند. باید منتظر ماند.

گفت‌وگو

فتح‌الله‌زاده در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: بابایی را به توصیه هاشمی آوردم، اما در باشگاه نبود

استراماچونی گزینه خوبی است، اما ابزار می‌خواهد

استراماچونی. من ایشان را در طول این چند هفته‌ای که کارشان را آغاز کرده‌اند، شخصیت بسیار مثبت و خوبی ارزیابی کرده‌ام و مطمئنم همه تلاش خود را برای موفقیت تیم می‌کند. قطعاً حضور ایشان می‌تواند به نفع تیم باشد، اما او هم باید برای رسیدن به موفقیت ابزارش را داشته باشد. از تیم سال قبل همه ستون‌ها جدا می‌شوند؛ رحمتی کاپیتان باتجربه‌ای بود و جدا شد، خسرو با تعصب بود و خداحافظی کرد، منتظری جداشد، چشمی همین‌طور، کریمی هم همین‌طور، پاتوسی هنوز معلوم نیست. اینها مشکل ساز می‌شود. یک‌دفعه کمر تیم را که نمی‌شود شکست و دور ریخت تا از اول تیم بسازید. این تجربه‌ها را من دارم. دوستان سال اول شان است تیم می‌بندند.

مدیران باشگاه می‌گویند مشکلات مالی دارند و نمی‌توانند بازیکنان گرانقیمت را نگه دارند.

اول گفتند تیم چهار میلیارد خواسته؛ درست است؟ گفتند گران است و ندادند. رفتند جای او دو نفر گران‌تر آوردند به نام گرو و نیومایر. آنها را هم نیم‌فصل با پول هنگفت رد کردند. بعد جای آنها سه خارجی آوردند؛ منشا و ایسما و پاتوسی. یکی از آنها خوب بود که همان پاتوسی بود که او هم رفته و برای نگه‌داشتنش باید چند صدهزار دلار پرداخت کنند. خب تیم را نگه می‌داشتند، ازان‌تر درنمی‌آمد؟ من همان موقع هم گفتم نگاه‌اش دارید.

به این استقلال خوشبین هستید؟

امیدوارم بتوانند منظم شوند و برمشکلاتی که دارند، غلبه کنند.

تیم مشکل زیاد دارد ولی امیدوارم دانش فنی استراماچونی به نفع آنها تمام شود.

پس درمورد اوضاع مدیریتی استقلال صحبت کنیم!

من هرچه بگویم بی‌فایده است. یک‌برچسبی روی من زده‌اند به‌عنوان آلترناتیو و هرچه بگویم یا هرکاری بکنم مدیران باشگاه من را به چشم جانشین می‌بینند. متأسفم که این قضیه سبب می‌شود در باشگاه حرف‌های من را به‌عنوان حرف‌های صادقانه یک هوادار و یک دوست بررسی نکنند و جای فکر کردن روی این صحبت‌ها، دنبال این باشند که هرچه می‌گویم را به‌عنوان بیانیه علیه خودشان قلمداد کنند.

مثلاً در چه مورد؟

از نقل‌وانتقالات بگیرد تا بی‌خبر گذشتن رسانه‌ها. شما خودتان زمان مدیریت من حضور داشتید. مگر می‌شود مردم این همه از تیم بی‌خبر باشند؟ الان مدت‌هاست استقلال اوضاع رسانه‌ای خوبی ندارد. هوادار نمی‌داند پاتوسی وضعیت چه‌شد؟ پروچیچ وضعیت چه شد؟ طارق وضعیت چه‌شد؟ پول‌های مربوط به صیادمنش چه‌شد؟ از انتقال صیادمنش چقدر به استقلال رسید و خرج چه‌شد؟ چرا در باشگاه همه استعفا دادند؟ اصغر حاجیلو چرا قهر کرده؟ حالا اینکه چرا در نقل‌وانتقالات این‌طوری یار می‌گیرند به کنار. سوال اینجاست که چرا در استقلال کسی جواب تلفن خبرنگار را نمی‌دهد؟ چرا

این همه شایعه و حاشیه‌های دروغین برای تیم در فضای مجازی درست می‌شود و کسی پاسخگوی آنها نیست!

باشگاه‌از پایان

لیگ تا الان در

سکوت رسانه‌ای

قرار دارد.

بله. هوادار هنوز دارد از من درباره اوضاع استقلال می‌پرسد. من چند سال است در باشگاه حضور ندارم. چرا باید از من بپرسند؟ دلایل این است کسی پاسخ سوالات مردم را نمی‌دهد. هر روز یک شایعه جدید، هر روز یک حاشیه جدید، هر روز یک تصمیم غلط دیگر که خودش یک حاشیه جدید را می‌سازد.

وضعیت نقل‌وانتقالات استقلال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اول من تبریک می‌گویم به مدیران باشگاه بابت انتخاب آقای